معرفی مشاهیر ایران زمین؛

درباره میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری

■ ادیب نیشابوری، شاعر، محقق و عالم ادب عربی و فارسی که دارای مشربی عرفانی نیز بوده است؛ اما با همه این فضایل، مهم‌ترین بخش کارنامه علمی و عملیِ ادیب، به معلم بودن و مدرّس بودن او بازمی‌گردد.

شماری از برجسته‌ترین چهره‌های ادبی در روزگار معاصر افتخار شاگردی ادیب نیشابوری را داشته‌اند. استادان مرحومان، ملک‌الشعرای بهار، بدیع‌الزمان فروزانفر، محمدتقی ادیب نیشابوری (ادیب ثانی)، محمد پروین گنابادی، ادیب بجنوردی، محمدتقی مدرّس رضوی، محمود فرّخ، محمدامین ادیب طوسی، مجدالعُلی بوستان و سیّد جلال‌الدین تهرانی از جمله شاگردان نامدار ادیب نیشابوری هستند. با دقتِ در نامِ بلندِ همین شاگردان، به‌خوبی می‌توان به بزرگی کارِ ادیب پی برد.

گروه فرهنگ و هنر – ملک‌الشعرای بهار، بدیع‌الزمان فروزانفر، محمدتقی ادیب نیشابوری (ادیب ثانی)، محمد پروین گنابادی، ادیب بجنوردی، محمدتقی مدرّس رضوی، محمود فرّخ، محمدامین ادیب طوسی، مجدالعُلی بوستان و سیّد جلال‌الدین تهرانی از جمله شاگردان نامدار ادیب نیشابوری هستند. در تاریخ معاصر از دو اندیشمند با عنوان «ادیب نیشابوری» یاد شده است؛ یکی مرحوم استاد میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری، معروف به «ادیب اول» (م. ۱۳۰۵ خورشیدی) و دیگری مرحوم استاد شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری، مشهور به «ادیب ثانی» (م. ۱۳۵۵ خورشیدی) هر دو این بزرگان جزو چهره‌های درخشان فرهنگ و ادب ایران زمین، به‌ویژه خراسان بزرگ به شمار می‌روند. هر دو ادیب، هم شاعر بوده‌اند و هم مدرس و هم محقق و در ادب فارسی و عربی جزو سرآمدانِ روزگار خویش به‌شمار می‌آمده‌اند. ادیبِ نیشابوری ثانی که خود از شاگردانِ برجسته ادیب نیشابوری اول بوده‌است، شعری درباره خود و استادِ خویش سروده که همین شعر، تا حدی گویای مقام و منزلت و شخصیت آن دو استادِ ادب تواند بود:

«مُلکِ دانش زیب و زیور یافته در دیر پیر /// از بیان دو ادیب نکته‌پرداز خبیر
هر دو اندر عصر خود در گفته‌سنجی بی‌همال /// هر دو اندر صفحه گیتی به دانش بی‌نظیر
هر دو عالَم را منوّر ساختند از نور علم /// هر دو بهر مردمان بودند چون مهر منیر»

استادی که استادی نداشت

مرحوم استاد میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری در سال ۱۲۸۱ قمری در روستای بجن گرد (بیژن گرد) از توابع نیشابور دیده به جهان گشود. اما هنوز چند سالی دیدگانش به روی دنیا باز نشده بود که دست تقدیر در همان کودکی، چشم راست او را به آبله مبتلا کرد و قدرت بینایی عبدالجوادِ خردسال را به‌طرز چشمگیری کاهش داد. با این حال وی ادب عربی را در همان زادگاه فرامی‌گیرد و در سال ۱۲۹۷ به مشهد می‌آید. کاهش توان بینایی، مانع از عشق به دانش در وجود ادیب نشده بود و وی با همان اندک سوی باقی‌مانده در چشم چپ خویش و به مدد حافظه بسیار قوی خَود، طریق فراگیری دانش را با جدّیت و اراده پیش گرفت. پس از ورود به مشهد مقدس، ادیب مدتی را در مدرسه خیرات‌خان می‌گذراند و پس از آن به مدرسه فاضل‌خان می‌رود و سپس مقیم مدرسه نواب می‌شود. ادیب «ضمن فراگیری مقدمات علوم ادب، کتاب‌های نهج‌البلاغه، مُغنی، مُطَوّل، مقامات بدیعی، مقامات حریری، حاشیه و شمسیه را بدون استاد فراگرفت و مقداری فقه و اصول و حکمت و کلام را نزد اساتیدِ آن عصرِ حوزه تلمّذ کرد و به نیشابور بازگشت و پس از درگذشت پدر در حدود سال ۱۳۱۰ قمری بار دیگر به مشهد آمد و در یکی از حجره‌های مدرسه نوّاب مستقر شد و تا پایان عمر هرگز به سفر نرفت».

مدرّسی با شاگردانی نامدار

در سرآغازِ این سیاهه اشاره شد که ادیب نیشابوری، هم شاعر بوده است و هم محقق و هم عالم ادب عربی و فارسی و به جز اینها او دارای مشربی عرفانی نیز بود؛ اما با همه این فضایل، مهم‌ترین بخش کارنامه علمی و عملیِ ادیب، به معلم بودن و مدرّس بودن او بازمی‌گردد.

به قول مرحوم سید حسن طبسی که خود از معاصران و مصاحبان ادیب نیشابوری بوده و زندگی‌نامه مختصری هم پس از وفاتِ ادیب برای وی نگاشته است، «خدمت مرحوم ادیب منحصر به شعر او نیست، بلکه عمده، مسئله تدریس است که متجاوز از چهل سال این مرد بزرگ لاینقطع مشغول درس گفتن بوده و ذوق ادبی را در طلّاب و محصّلین تا درجه مهمی ایجاد و تقویت کرده، سبک شعر ترکستانی را که قریحه خراسانی طبعاً به آن متمایل است منتشر و شعرشناسی، که رکن عمده فنّ ادب است، رواج داده؛ اینها خدماتی است هر یک در جای خود مهم».

با این حال ادیب نیشابوری تنها در مقام یک مدرّس صرف که معدودی درس را مسلط باشد و بخواهد هر سال آنها را تکرار کند، نبوده است. استاد میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری «در حکمت الهی و طبیعی نیز مهارت داشت و نظریات ملاصدرا را می‌پسندید و در نجوم، جبر و مقابله و حساب و هندسه از دانایان بود و با موسیقی نیز آشنایی داشت. اما بی‌تردید تخصص او در علوم ادب بود. تمام قاموس و برهان قاطع را حفظ داشت و افزون بر دوازده هزار بیت از اشعار عرب جاهلی را به خاطر سپرده بود. ادیب هر شعری را با همان حال و هوای خودِ شعر، با لهجه‌ای بسیار دلنشین و سحرانگیز می‌خواند». مرحوم ادیب از نظر موقعیت علمی و مقام ادبی، خود یکی از چهره‌های برجسته و صاحب‌مقام بود. وی این ویژگی را با سخت‌کوشی و پشت‌کار و مطالعه به‌دست آورده بود و در پی آن بود که شاگردانش نیز به همین شیوه بتوانند به چنان موقعیت ممتازی برسند؛ و تاریخ گواه است که ادیب در این راه نیز بسیار موفق بوده است. شماری از برجسته‌ترین چهره‌های ادبی در روزگار معاصر افتخار شاگردی ادیب نیشابوری را داشته‌اند. استادان مرحومان، ملک‌الشعرای بهار، بدیع‌الزمان فروزانفر، محمدتقی ادیب نیشابوری (ادیب ثانی)، محمد پروین گنابادی، ادیب بجنوردی، محمدتقی مدرّس رضوی، محمود فرّخ، محمدامین ادیب طوسی، مجدالعُلی بوستان و سیّد جلال‌الدین تهرانی از جمله شاگردان نامدار ادیب نیشابوری هستند. با دقتِ در نامِ بلندِ همین شاگردان، به‌خوبی می‌توان به بزرگیِ کارِ ادیب پی برد. مرحوم ادیب همچون بسیاری از استادانِ برجسته علوم ادبی، بر اینکه شاگردان متن‌هایی را از آثار شاخص ادبی از حفظ داشته باشند، بسیار تأکید داشت. همین رویه را می‌توان در شیوه تدریس استادانی چون بدیع‌الزمان فروزانفر و جلال‌الدین همایی هم دید. اما امروز متأسفانه این رویه در دانشکده‌های ادبیات به‌شدّت مغفول واقع شده است. بسیاری از دانشجویان حال و حوصله از بر کردنِ حتی چند غزل از حافظ و سعدی و مولانا را هم ندارند و متأسفانه بسیاری از استادان نیز به این کاهلیِ دانشجویان که البته نتیجه زمانه امروز است، تن درداده‌اند و متأسفانه فراوان دیده می‌شود که سر و ته یک درس از واحدهای درسی رشته زبان و ادبیات فارسی، با همراهی و همدلی استاد و دانشجویان، با یک جزوه مختصر و نحیف هم‌می‌آید؛ و پُرواضح است که از سرِ چنین کلاسی نه ادیب نیشابوری بیرون خواهد آمد، نه بدیع‌الزمان فروزانفر، نه مهدی محقق و نه هیچ بزرگِ دیگری.

شخصیت و سلوک فردی ادیب نیشابوری

همه آنانی که درباره استاد میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری نوشته‌اند، به جدّیت وی در کار علم و نیز به مناعت‌طبع و قناعت‌پیشگیِ او اشاره کرده‌اند. مرحوم استاد تا پایان عمرِ تجرّد اختیار کرد و همه عمر و جوانی خویش را در راه آموختنِ دانش و بازآموختنِ آن به دیگران هزینه کرد.

وی از همان کودکی با ضعف شدید بینایی کنار آمده بود. در واقع عشق به خواندن سبب شده بود که این نقص را مانعی بر سر راه خویش نبیند. ضعف بینایی استاد به‌حدّی بود که برای مطالعه، می‌بایست کتاب را بسیار به چشم خویش نزدیک می‌کرد و آن را به‌حالتِ مورّب نگاه می‌داشت تا بتواند نوشته‌های روی کاغذ را ببیند و بخواند. آری، ادیب نیشابوری با همین طرزِ خواندنِ کتاب، شد ادیب نیشابوری و آن‌همه متنِ عربی و فارسی را به حافظه سپرد.

مرحوم ادیبِ اول، عشق خویش را در تحصیل و تدریس علم یافته بود و به همین دلیل عمده وقتِ خویش را به مطالعه و تدریس مشغول بود و کمتر به رفت و آمد با دیگران می‌پرداخت و «معاشرتش مخصوص بود به ملاقات یک عدّه دوستان که در اوقات تعطیل به حجره مدرسه رفته، از صحبت او استفاده می‌کردند و گاهی هم به منزل بعضی از رفقای خیلی خصوصی می‌رفت، اما خیلی کم و فقط در ایام تعطیل».

مناعت طبع ادیب نیشابوری نیز زبانزد بوده است؛ به حدّی که استاد روزگار خویش را با همان مختصر عایدیِ برآمده از حق‌التدریس و ملکِ موروثیِ خود در نیشابور به سر می‌برد و کمتر از وجوهات استفاده می‌کرد. بنابر نوشته مرحوم سید حسن طبسی، مرحوم ادیب «هیچ‌گاه حتی از نزدیک‌ترین دوستان و صمیمی‌ترین معتقدانِ خود مساعدتی قبول نمی‌کرد».

شعرِ ادیب نیشابوری

آنچه امروز از شعرهای مرحوم ادیب اول در دست است، مجموعه شعرهایی است نزدیک به شش هزار بیت. البته مرحوم استاد شعرهایی بیش از این سروده بوده، اما برخی از آنها را در اواخر عمر نپسندیده و کنار گذاشته است. شماری از سروده‌های وی نیز در دست این و آن بوده و پراکنده شده است. با این همه، طبق آنچه در مقدمه دیوانِ اشعارِ استاد، که به «لآلی مکنون» موسوم است، آمده، اشاره دارد به اینکه اشعار مرحوم ادیب بنابر آنچه خود نیز تأیید کرده، به سه دسته تقسیم می‌شود: «قسم اول، اشعاری که به سبک قاآنی گفته و این قسم گویا زیاد هم بوده، لکن در اواخر، چون این سبک را زیاد نمی‌پسندید، از این قسمت نمی‌خواند و از انتشارش هم به قدر امکان جلوگیری می‌کرد. قسم دوم، اشعاری است که در بیست سال آخر عمر گفته اغلب به سبک شعرای ترکستانی یا همان سبک خراسانی] و اینها نسبتاً کمتر ولی جزل‌تر و محکم‌تر است و در انتخاب الفاظ نهایت دقت به عمل آمده. قسم سوم، اشعاری که در عرفان به سبک مولوی و حکیم صفا [ی اصفهانی] و امثال آنها گفته و در اواخر عمر، خود همین قسم را بیشتر می‌پسندید و بیشتر می‌خواند».

به هر روی مرحوم استاد میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری پس از شصت و سه سال زندگی، در روز جمعه ششم خرداد ماه ۱۳۰۵، برابر با نیمه ذی‌القعده سال ۱۴۴۳، در بیمارستان منتصریه مشهد، به رحمت حق پیوست. پیکر استاد را پس از تشییع، در رواقِ دارالحفظِ آستانِ ملک پاسبان حضرت امامِ علی بن موسی الرضا (ع) به خاک سپردند.

چرا شوخی با واژه‌های فرهنگستان؟

گروه فرهنگ و هنر – مصطفی عاصی معتقد است، در واژه‌گزینی برای واژه‌های عمومی باید دقت بیشتری شود تا مورد پسند مردم باشد و جنبه شوخی پیدا نکند. استاد پژوهشگاه علوم انسانی و رئیس پیشین انجمن زبان‌شناسی ایران درباره واژه‌هایی که اخیرا توسط فرهنگستان زبان و ادب فارسی جایگزین شده‌اند و شوخی‌هایی که در فضای مجازی با آن‌ها می‌شود اظهار کرد: اصولا ما ملت شوخ‌طبعی هستیم و مردم در همه زمینه‌ها با نگاه طنز به مسائل نگاه می‌کنند، در نتیجه این فقط خاص واژه‌های فرهنگستان نیست، بلکه ما در زمینه‌های دیگر هم می‌بینیم که مردم خلاقیت نشان می‌دهند و لطیفه و شوخی درست می‌کنند و به کار می‌برند. این خصلت ایرانی است.

او افزود: اما نکته دیگر این است که مردم گاهی اوقات فراموش می‌کنند که این شوخ‌طبعی را کجا باید به کار برد. شوخی کردن با مسائل جدی شاید باعث از بین رفتن اهمیت‌شان شود. یکی از این مسائل جدی به نظر من بحث زبان فارسی به‌عنوان زبان مشترک، رسمی و ملی ما است؛ این را یا قبول داریم یا نداریم. فکر می‌کنم به جز افرادی که نگاه خیلی خاص دارند، اغلب پذیرفته‌ایم که زبان فارسی یک عامل بزرگ فرهنگی و در حقیقت ابزاری برای احراز هویت ما در جهان است. عاصی زبان فارسی را یکی از مهم‌ترین عوامل وحدت، انسجام و تداوم فرهنگ ما در طول تاریخ دانست و گفت: اگر به اهمیت زبان فارسی توجه کنیم، آن وقت زیاد درست نمی‌بینیم که درباره آن شوخ‌طبعی به خرج دهیم. از سوی دیگر، اگر قبول داشته باشیم که زبان فارسی زبان مشترک همه ایرانیان و اقوام این سرزمین با زبان‌های مادری گوناگون است و برای بیان مفاهیم علمی، آموزش در سطح مدارس و دانشگاه به زبانی رسا و توانا نیاز داریم، آن‌گاه برای توانمندسازی و غنای واژگان آن نیز اهمیت بیشتری قائل خواهیم شد. این زبان‌شناس سپس با بیان این‌که هر زبانی همیشه با توجه به نیازهای اهل زبان و خواست و تلاش کاربران آن زنده مانده و رشد می‌کند، اظهار کرد: در طی قرن‌ها و در مقاطع مختلف، اهل فرهنگ، ادب و اندیشه برای اعتلای زبان فارسی تلاش کرده‌اند. تنها در دوره فارسی نو که از بیش از هزار سال پیش آغاز شده تا به‌امروز، بزرگانی در عرصه علم و ادب کمر به زنده‌نگه داشتن و گسترش زبان فارسی بسته‌اند. از فردوسی، ناصرخسرو، غزالی و شاعران و نویسندگان بزرگ دیگر تا دانشمندانی مانند بوعلی سینا و ابوریحان که خدمات زیادی به غنای زبان فارسی و رشد واژگان علمی آن کرده‌اند. روندی که تا کنون ادامه یافته‌است و اتفاقاً امروزه اهمیت بیشتری نیز پیدا کرده است. نخست به‌دلیل این‌که ما در دورانی هستیم که سرعت پیشرفت علوم بسیار زیاد شده است و در تمام زمینه‌های علمی مفاهیم، واژه‌ها و اصطلاح‌های جدید به وجود می‌آید و هر زبانی ناچار است واژه‌هایی برای بیان آن‌ها بسازد و به کار برد؛ ما هم باید برای فارسی چنین کاری کنیم. دیگر آن‌که گسترش و پیشرفت‌های چشم‌گیر فناوری اطلاعات و شبکه‌ها و ابزارهای نوین ارتباطی و پیدایش رایاسپهر شرایط تازه و فرصت بی‌مانندی را برای بالندگی و جهانی شدن زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون به‌وجود آورده که ما نیز با بهره‌گیری عالمانه و هوشمندانه می‌توانیم زبان فارسی را به جایگاه شایسته و درخور آن در جهان برسانیم. او ادامه داد: اهل زبان و کسانی که به‌خصوص با ادبیات و زبان‌شناسی آشنا هستند، بیشترین سهم را می‌توانند در این زمینه داشته باشند. و این‌جاست که به واژه‌گزینی نیاز پیدا می‌کنیم؛ واژه‌گزینی کاری است که به عهده فرهنگستان گذاشته شده و وظیفه اصلی فرهنگستان یافتن واژه‌های مناسب برای مفاهیم علمی است. حجم واژه‌های تخصصی علمی و فنی نسبت به واژه‌های عمومی با کاربرد روزمره بسیار بیشتر است. البته در واژه‌گزینی برای واژه‌های عمومی باید دقت بیشتری شود تا مورد پسند مردم باشد و احتمالاً جنبه شوخی پیدا نکند و مردم نسبت به آن‌ها حساسیت نداشته باشند. در مورد واژه‌های علمی اصلاً چنین نیست. واژه‌های علمی به وسیله متخصصان و در مجامع علمی و در منابع و نوشتگان علمی به کار می‌رود و مشکلی ندارد. در همه رشته‌های علمی مجموعه‌ای از اصطلاحات و واژه‌های علمی داریم که به‌شکلی قاعده‌مند و منظم ساخته می‌شوند و به‌راحتی به کار می‌روند. مصطفی عاصی درباره راهی که واژه‌های گزینش‌شده جدی گرفته شده و به کار برده شوند نیز گفت: این واژه‌هایی که بیشتر مورد شوخ‌طبعی مردم قرار می‌گیرد، واژه‌های عمومی است که کاربرد همگانی دارد. یکی از راه‌هایی که می‌شود کاری کرد تا این واژه‌ها جدی گرفته شوند این است که فرهنگستان یا کسان دیگری که به صورت آزاد و مستقل واژه‌سازی یا واژه‌گزینی می‌کنند بکوشند واژه‌های عمومی را خوش‌آوا، خوش‌ساخت و تا جای ممکن شفاف برگزینند تا مردم به راحتی آن‌ها را بپذیرند. اما بسیار مهم است که توجه داشته باشیم در کار واژه‌گزینی در یک سو متخصصان و زبان‌شناسان و ادیبان هستند که واژه‌های برابر یا معادل را از منابع غنی زبانی و فرهنگی موجود پیدا می‌کنند یا خود می‌سازند و باید بیشترین کوشش را بکنند تا واژه‌های مناسب و مقبول با به‌کارگیری همه قواعد و سازوکارهای ساختمان زبان بسازند. در سوی دیگر مردم هستند. اگر اصل واقعیت زبان و احترام به فرهنگ ملی نزد مردم اهمیت داشته باشد، واژه‌گزینی را به عنوان یک نیاز فرهنگی می‌پذیرند و دیگر با آن شوخی نمی‌کنند بلکه از آن پشتیبانی هم می‌کنند. اگر عزم جدی برای واژه‌گزینی و تقویت زبان فارسی وجود داشته باشد، مردم به راحتی واژه‌ها را می‌پذیرند، از آن‌ها استقبال می‌کنند و هیچ مشکلی هم با آن‌ها ندارند. اما اگر این عزم جدی نباشد یا اهمیت این موضوع درک نشود، نمی‌توان انتظار بیشتری داشت. وجود فضای علمی و جوّ سالم و محترمانه فرهنگی نیز می‌تواند نقد منصفانه و سازنده را جایگزین شوخی و تمسخر کند. در چنین فضایی داوری‌ها بر پایه معیارهای منطقی و همراه با خردورزی خواهد بود و واژه‌گزینی امری ملی و فراتر از سوگیری‌های فردی، سلیقه‌ای و غرض‌ورزی شخصی دانسته شده، همه مردم دلسوزانه در آن شرکت خواهند کرد.

معرفی کتاب

«عالمگیر»

گروه فرهنگ و هنر – کتاب «عالمگیر» با عنوان فرعی «کووید ۱۹ جهان را تکان می‌دهد» نوشته اسلاوی ژیژک با ترجمه هوشمند دهقان منتشر شد. این کتاب در ۹۶ صفحه و با بهای ۲۰هزار تومان از سوی انتشارات صدای معاصر به چاپ رسیده است. در معرفی این کتاب آمده است: «عالمگیر» در حقیقت درک و دریافت اسلاوی ژیژک فیلسوف معروف اروپا از بحران کروناست و اهمیت و امتیاز اساسی آن در این است که بر خلاف پاره‌ای از آثار او به زبانی ساده و روان نوشته شده است. ژیژک فصل اول «عالمگیر» را با نقل قولی از انجیل شروع می‌کند. آن‌جا که عیسی پس از رستاخیزش به مریم مجدلیه می‌گوید: مرا لمس مکن مسیح پس از رستاخیزش به پیروان خود می‌گوید: مرا لمس کنید، در عوض، دیگران را با محبت نوازش کنید و با آنان به مهربانی رفتار کنید. اسلاوی ژیژک پس از نقل این آیات می‌نویسد: «با این حال امروز در بحبوحه همه‌گیر شدن ویروس کرونا، یکریز به ما سفارش می‌کنند که دیگران را لمس نکنید... فقط از درون است که می‌توانیم به همدیگر نزدیک بشویم، و چشم‌های ما پنجره‌ای است که به درون باز می‌شود. این روزها وقتی آشنایی را می‌بینیم و فاصله مناسب را حفظ می‌کنیم یک نگاه عمیق به چشم طرف مقابل می‌تواند احساساتی بیشتر از نوازشی خودمانی را بروز دهد.» این فیلسوف سرشناس در فصل چهارم کتاب هم گریزی به ایران می‌زند. او از قول دکتر ایرج حریرچی معاون وزیر بهداشت ایران نقل می‌کند که ویروس کرونا ویروس دموکراتی است؛ فقیر و غنی نمی‌شناسد، مسئول و غیرمسئول نمی‌شناسد. او معتقد است که در برابر این ویروس، همگی در یک قایق نشسته‌ایم. فصل‌های بعدی کتاب در خدمت نگاه ناقدانه اسلاوی ژیژک به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی حکومت‌های دنیاست. ضمن این‌که از جواب دادن به منتقدان خود مثل جورجیو آگامبن هم غافل نمانده است. ژیژک با شور و شوق همیشگی‌اش برای استفاده از تمثیل‌های موجود در فرهنگ عامّه، صفحات کتابش را با گفتارهایی از کوئنتین تارانتینو، هربرت جورج ولز، هگل و مارکس می‌آراید و تصویری موجز و جذّاب از بحرانی به دست می‌دهد که همچنان وجود دارد و زندگی انسان‌ها را تهدید می‌کند.

معرفی کتاب

«یک آدم نقاشی کن!»

گروه فرهنگ و هنر – «یک آدم نقاشی کن!»، جدیدترین اثر فریبا کلهر به بیان مفهومی فلسفی برای کودکان پرداخته است.

کتاب «یک آدم نقاشی کن!» داستان عمو نقاش و دختر کوچکی به نام صبا است که گفت‌وگوهای آن‌ها شکل دهنده‌ی بدنه‌ی اصلی داستان است. عمو نقاش قرار است برای صبا یک آدم بکشد اما به جای آن یک موش می‌کشد، از همین جای داستان چالش‌های صبا با تعریف انسان و ماهیت و هویت او آغاز می‌شود.

بر اساس این گزارش، قهرمان اصلی داستان در ادامه خواستار تغییر در نقاشی است، اما مرد نقاش باز هم برای او موش می‌کشد، موش‌هایی که رفتارهای انسانی دارند اما در نهایت در نگاه صبا نمی‌توانند شبیه انسان‌ها باشند.

در ادامه مرد نقاش و صبا درباره‌ی این ویژگی‌ها صحبت می‌کنند.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

عمو نقاش موش دیگری کشید.

موشی که در لانه‌اش یخچال بزرگی داشت که درش باز بود. عمو نقاش گفت: «این موش چیزهای دیگری هم می‌خورد. ببین یخچالش پر از سوسیس و هندوانه و نوشابه‌ی گازدار است.» صبا گفت: اما باز هم او یک موش است و با آدم فرق دارد. برایم یک آدم نقاشی بکش!

این کشمش‌ها و گفت‌وگوها مخاطب را به سوی سوال‌هایی مفهومی درباره‌ی خود سوق می‌دهد، اما نویسنده هوشمندانه عمل می‌کند و برای داستان، پایان‌بندی متفاوتی در نظر گرفته است.

مخاطبان بالای ۱۱ سال قرار است در پایان با چالش جدیدی روبرو شوند و با بستن کتاب به سراغ یافتن پاسخ سوال‌های‌شان بروند.

میترا عبدالهی تصویرگری این کتاب را بر عهده داشته و این اثر با قیمت ۱۲هزار و ۵۰۰ تومان و شمارگان ۲هزار و ۵۰۰ نسخه وارد بازار کتاب کودک و نوجوان شده است.

برای تهیه‌ی این اثر ۲۸ صفحه‌ای می‌توانید به فروشگاه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (آفرینش) در سراسر ایران و شهرهای کتاب مراجعه کنید.

گران‌ترین جایزه ادبی فرانسه برای «جویس کارول اوتس»

گروه فرهنگ و هنر – «جویس کارول اوتس»، نویسنده آمریکایی، برنده جایزه ادبی ۲۰۰هزار یورویی «سینه دل دوکا»ی فرانسه شد. جایزه جهانی «سینه دل دوکا»ی فرانسه که گران‌ترین جایزه ادبی این کشور محسوب می‌شود، اغلب به عنوان جایزه‌ای شناخته می‌شود که مسیر کسب جایزه نوبل ادبیات را هموار می‌کند و پیش‌تر برندگان نوبلی چون «آندره ساخاروف»، «ماریو بارگاس یوسا» و «پاتریک مودیانو» موفق به کسب این جایزه ادبی شده‌اند. پنج رمان از نوشته‌های «جویس کارول اوتس» شامل رمان «بلوند» که به زندگی شخصی «مریلین مونرو» می‌پردازد تاکنون نامزد نهایی جایزه «پولیتزر» در بخش ادبیات شده اما از کسب جایزه بازمانده‌اند با این وجود، این نویسنده، شاعر و نمایشنامه‌نویس ۸۱ ساله تا امروز جوایز معتبری از جمله جایزه کتاب ملی آمریکا را کسب کرده و در کارنامه خود نگارش بیش از ۶۰ رمان، مجموعه داستان کوتاه، نمایشنامه و زندگی‌نامه را دارد. «جویس کارول اوتس» در چند سال اخیر یکی از شانس‌های دریافت نوبل ادبیات شناخته می‌شود و به دلیل پرداختن به موضوعات بحث‌برانگیز جامعه آمریکا در آثارش مورد تحسین قرار گرفته است. «جانورها»، «عشق تابستانی»، «مرد بدون سایه»، «کنار دروازه شمالی»، «آن‌ها»، «قصه‌های خیانت» و ... از جمله آثار این نویسنده آمریکایی هستند. عنوان جایزه «سینه دل دوکا» برگرفته از نام یک تاجر، تهیه‌کننده فیلم و یک انسان خیرخواه متولد ایتالیا است. این جایزه توسط موسسه فرانسه شامل آکادمی زبان و ادبیات فرانسه برگزار می‌شود. قرار بود جایزه «جویس کارول اوتس» طی مراسمی در ماه آینده اعطا شود که برگزاری مراسم آن به سبب شیوع ویروس کرونا لغو شد.

شخصیت‌های تابلوهای مشهور قرنطینه شدند!

گروه فرهنگ و هنر – پروژه هنری با عنوان «هنر قرنطینه» توسط «جف روی» و «پائول دریک» قانون فاصله‌گذاری اجتماعی را در نقاشی‌های مشهور جهان اجرا کرده است. در دوران کرونا که رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی و قرنطینه خانگی توصیه شده است، یادآوری رعایت این قانون در لوگوها و حتی جلد آلبوم‌های موسیقی نمود پیدا کرده است. اخیرا تصاویر ویرایش شده‌ای از تابلوهای نقاشی مشهور با محوریت قرنطینه و فاصله‌گذاری اجتماعی در فضای مجازی به چشم می‌خورد.

حالا یک پروژه هنری به نام «هنر قرنطینه» شخصیت‌های برخی از مشهورترین تابلوهای نقاشی تاریخ را به قرنطینه برده است. برگزارکنندگان این پروژه معتقدند اگر شخصیت‌های نامدارترین نقاشی‌های جهان می‌توانند فاصله‌گذاری اجتماعی را رعایت کنند مطمئنا شما هم می‌توانید.

آگهی مزایده

هتل شایان کیش در نظر دارد کانتر گردشگری خود را از طریق مزایده به صورت اجاره واگذار نماید، لذا از متقاضیان دعوت می‌گردد جهت تحویل مبلغ اجاره پیشنهادی خود در پاکت دربسته به واحد مالی هتل شایان تا پایان وقت اداری تاریخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۲ مراجعه نمایند.

شماره تماس: ۰۷۶۴۴۴۲۲۷۷۱ داخلی ۶۰۹

بیمه نامه حوادث خانواده

با روزی ۹۶۰ تومان، در حوادث تا سقف ۲۵۰ میلیون تومان بیمه باشید

دفتر امیرزاده کد ۲۱۸۵۶ بیمه آسیا
مشاور تلفنی بیمه ای شما در برج صدف
۰۹۱۲۲۱۱۸۶۳۲
۰۷۶۴۴۴۵۳۶۷۰
✔ صدور انواع بیمه نامه
غیر حضوری در هر ساعتی که بخواهید
بیمه‌نامه
هر چهره ای با لبخند زیباتر می شود
به آسایش لبخند بزنید

اقتصاد کیش روزنامه
پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش
۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹